

قلمرو مطالعات تطبیقی (مقارن) قرآن پژوهی

سید محمود طیب حسینی^۱ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

چکیده

مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی موضوعی نوپدید در حوزه قرآن و تفسیر پژوهی است که پیرو گسترش مطالعات تطبیقی در ایران، در دو دهه گذشته رواج زیادی در محافل قرآن پژوهی یافته است. تعیین قلمرو این شاخه مطالعات قرآنی، به ویژه برای دانشجویان نسبتاً پرشمار این گرایش تفسیری و محققان جوان ضرورتی انکار ناپذیر دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مسأله قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی را به عنوان یکی از مباحث نظری این شاخه از مطالعات قرآنی، به بحث گذاشته و درصدد برآمده به این سؤال پاسخ دهد که مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی چه قلمرو و حوزه‌هایی را در بر می‌گیرد؟ نتیجه پژوهش آن است که قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی را می‌توان به بخش مطالعات تطبیقی درون قرآنی و برون قرآنی، و قسم برون قرآنی را به درون دینی و فرادینی، و قسم درون دینی را به: درون مذهبی، بین مذهبی و فرامذهبی تقسیم کرد، و هریک از سه قسم اخیر زیر شاخه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و گسترده‌ترین قلمرو به مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی فرامذهبی، با ۹ زیرحوزه، تعلق دارد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر تطبیقی، مطالعات تطبیقی، حوزه‌های تفسیر تطبیقی، تفسیر تطبیقی فرامذهبی.

مقدمه

امروزه مطالعات تطبیقی در حوزه همه یا بیشتر علوم در سراسر عالم رواج یافته است و کمتر دانشی را می‌توان یافت که در آن مطالعه تطبیقی انجام نگرفته یا نگیرد. افزون بر این روش‌های و اغراض مطالعات تطبیقی نیز گسترش و تنوع زیادی یافته و در این زمینه مکتب‌های مختلفی از جمله مکتب فرانسه و شیکاگو در غرب نیز پدید آمده است. (نظری منظم، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۲۲۵ به بعد؛ صالح بک، ۱۳۸۷، ش ۳۸، ص ۹ به بعد) در حوزه مطالعات اسلامی و دینی نیز در سال‌های اخیر پژوهش‌های تطبیقی در حوزه تفسیر قرآن به اوج خود رسیده و علاوه بر تألیف کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های فراوان و انتشار مقالات بی‌شمار در حوزه تفسیر تطبیقی، مجلات متعددی نیز به صورت اختصاصی به تفسیر تطبیقی اختصاص یافته و حتی رشته - گرایش‌هایی نیز با عنوان تفسیر تطبیقی در مراکز آموزش عالی در حوزه و دانشگاه ایجاد و با اقبال گسترده دانشجویان و طلاب مواجه شده است. این همه اقبال به تفسیر تطبیقی نشان از اهمیت مطالعات تطبیقی در دوره معاصر از یک‌سو و تغییر ذائقه محققان و مخاطبان مباحث تفسیر از مطالعات یک‌سویه، به مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر قرآن است. بررسی آثار انتشار یافته در حوزه تفسیر تطبیقی نشان می‌دهد که بیشتر این آثار معطوف به آیات کلامی و بعضاً فقهی قرآن است و موضوعی قرآنی یا آیه‌ای از قرآن کریم را که میان مفسران شیعه و اهل تسنن عرصه اختلاف دیدگاه قرار گرفته، به بحث گذاشته‌اند و دیدگاه مفسران اهل تسنن و شیعه را در باره آن موضوع یا آیه بررسی کرده‌اند. از میان این آثار فراوان آثار کمی - اغلب در قالب مقاله - سایر حوزه‌های مطالعات تفسیر تطبیقی را نیز هدف گرفته‌اند. این در حالی است که ضرورت مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر قرآن و اهداف و اغراضی که برای مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی در حوزه تفسیر قرآن بیان شده، محدود به مباحث کلامی و فقهی نبوده و حوزه‌ها و عرصه‌های بسیار گسترده‌تری را جهت یک مطالعه و بررسی مقایسه‌ای پیش روی محققان و صاحب نظران قرار می‌دهد. مقاله حاضر به دنبال شناسایی و معرفی عرصه‌ها و حوزه‌هایی است که می‌تواند بستر یک بررسی تطبیقی را در زمینه تفسیر و معارف و علوم قرآن و به طور کلی هر نوع مطالعه‌ای که یک محور آن قرآن کریم است، فراهم ساخته و محققان و دانشجویان و طلابی که در گرایش تفسیر تطبیقی مطالعه یا تحصیل می‌کنند را با عرصه‌های مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر و علوم قرآن

آشنا کند. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که: مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، به عنوان موضوعی جدید و پرتطرفدار، دارای چه قلمرویی را در برمی گیرد؟ و: چه موضوعات، و زمینه‌هایی می‌تواند بستر یک مطالعه تطبیقی مرتبط با قرآن را برای محققان ایجاد کند؟

تعیین دامنه بحث. مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی حوزه‌های بسیار متنوع و مختلفی را دربرمی گیرد. در یک تقسیم کلی این حوزه‌ها را می‌توان به دو بخش مطالعات میان‌رشته‌ای و مطالعات غیرمیان‌رشته‌ای تقسیم کرد. مقصود از مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای مطالعه تطبیقی معارف قرآن با هر یک از شاخه‌های علوم طبیعی شامل زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی، علوم تجربی و علوم انسانی، از قبیل روان‌شناسی، علوم اقتصادی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مدیریت، علوم تربیتی، حقوق و... است. اساساً مطالعات میان‌رشته‌ای نوعی مطالعه تطبیقی به شمار می‌آیند. و هر گونه مطالعه تطبیقی بر محور قرآن که خارج از مطالعات میان‌رشته‌ای انجام پذیرد، مطالعات تطبیقی غیرمیان‌رشته‌ای به شمار می‌آید. روش‌شناسی مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است و مجال مستقلی می‌طلبد تا در باره روش‌شناسی و معرفی قلمروهای آن بحث شود. (رضایی، ۱۳۸۹، ش ۱۳، ص ۴۳ - ۵۴) به این دلیل موضوع مقاله حاضر به بررسی و معرفی قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی غیرمیان‌رشته‌ای محدود می‌شود.

پیشینه بحث. در باره موضوع مورد بحث در این مقاله پیش از این تحقیقی انجام نگرفته یا دست کم منتشر نشده است. البته رضایی اصفهانی در مقاله «روش‌شناسی تطبیقی در تفسیر قرآن کریم» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۹، ش ۱۳، ص ۳۵ - ۵۵) و طیب-حسینی در مقاله تفسیر تطبیقی ذیل عنوان «گستره تفسیر تطبیقی» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، ج ۸، مدخل تفسیر تطبیقی) اشاره‌ای مختصر به برخی حوزه‌ها و قلمروهای تفسیر تطبیقی داشته‌اند. نیز عسگری در کتاب جریان‌شناسی تفسیر تطبیقی (۱۳۹۷، ص ۳۰ - ۳۵) با استناد به سخن محققان به ده گونه (قلمرو) تفسیر تطبیقی اشاره کرده است، اما تاکنون بحثی جامع در همه قلمروها و حوزه‌هایی که می‌توان در آنها به یک مطالعه تطبیقی قرآنی یا تفسیری دست زد، موضوع مقاله‌ای مستقل نبوده است.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. قلمرو

برای «قلمرو» در لغت معانی مختلفی بیان شده از قبیل: زمینه، حوزه فرمانروایی، حوزه عمل (عمید، ۱۳۷۲، ج ۲؛ معین، ۱۳۷۵، ج ۲، «قلمرو») مُلک و مملکت، منطقه حکومت، ناحیه حکمرانی و... (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، «قلمرو») بنابراین قلمرو با کلماتی مانند: زمین، ملک، حوزه، زمینه، میدان، و نظیر اینها مترادف است. واژه قلمرو در هیچیک از علوم، اصطلاح خاصی نشده است تا برای آن تعریف خاصی بیان شود. بنابراین در این تحقیق همان معنای لغوی آن، یعنی: دامنه، حوزه، زمینه و گستره مقصود است. البته دامنه به نظر محدودتر از قلمرو است. قلمرو معمولاً نگاه ایجابی به گستردگی بحث داشته تلاش می‌کند حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف بحث را شناسایی کند و به آن وسعت دهد، اما دامنه معمولاً نگاه سلبی به گستردگی بحث داشته حدود و محدوده آن را تعیین، و به عبارتی بحث را محدود می‌کند. دامنه در لغت به معنای: دامن‌مانند، پای کوه، دامن کوه، دامن و کناره چیزی، حاشیه و کناره است (عمید، ۱۳۷۲، ج ۱؛ معین، ۱۳۷۵، ج ۲، «دامنه») نیز به معنای محدوده اثر یا عمل و گستردگی یک چیز، دامنه فعالیت، پهنه، گستره، آمده (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، «دامنه») در اصل از دامن یا فراخای زیر کوه گرفته شده است. (نک: دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، «دامنه»)

۱-۲. تطبیقی

«تطبیقی» منسوب به «تطبیق» است و «تطبیق» در اصل واژه‌ای عربی و مصدر باب تفعیل است از ریشه «طبق» و در زبان عربی و فارسی برای آن معانی متعدد مشابهی بیان شده است. «طَبَّقَ الشَّيْءُ الشَّيْءَ» یعنی این چیز آن دیگری را پوشاند، (ابن فارس، ۱۳۸۷ ش، ص ۵۵۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۱۱ - ۱۵۱۴؛ مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵۵۰). از جمله معانی آن در زبان فارسی، برابر کردن و موافق نمودن؛ مطابقه و مقابله و موافقت و برابر کردن دو چیز با یکدیگر است، (دهخدا، ص؛ معین، ج ۱، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۹۵) اخیراً در فرهنگ‌های فارسی - و نه در عربی - معنای سنجش و مقایسه برای این واژه بیان شده است: «تطبیقی» منسوب به «تطبیق» است به معنای: مبتنی بر سنجش و مقایسه دو یا چند چیز به ویژه دو یا چند بخش از دانش‌ها همچون: ادبیات تطبیقی، زبان‌شناسی تطبیقی، مطالعات تطبیقی. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۷۷۰).

۳-۱. مقارن

در زبان و فرهنگ عربی از تطبیقی به معنای مقایسه‌ای، به «مُقارَنه»، و از تفسیر تطبیقی اغلب به «التفسیر المُقارَن» یاد می‌شود. «مُقارَن» از ریشه «قرن» است که در لغت برای آن معانی مختلفی نقل شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۰۱؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۸۴) «قَرَنَ الشَّيْءَ بِالشَّيْءِ» یا «قَرَنَ بَيْنَهُمَا» یعنی آن دو چیز را با هم جمع کرد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۶۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۰۰)، و «قَارَنَ بَيْنَ الْقَوْمِ» یعنی افراد آن قوم را با هم برابر کرد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۳۶). سپس در دوره معاصر «قارَن» به معنای موازنه و مقایسه دو چیز با یکدیگر هم به کار می‌رود، چنان که گویند: «قَارَنَ الشَّيْءَ بِالشَّيْءِ» یعنی این را با آن مقایسه کرد و سنجید. (مصطفی و همکاران، ص ۷۳۰، ماده «قرن») یادکرد این نکته شایسته است که سنجش و مقایسه از لوازم معنای لغوی واژه «قارَن» در زبان عربی، و تطبیقی در زبان فارسی است، زیرا هنگامی که دو شیئی با یکدیگر مصاحبت و همراهی داشته باشند، خود به خود موجب مقایسه آن دو را با هم فراهم می‌آورد.

به هر روی دو مصطلح «مُقارَن» و «تطبیقی» امروزه به یک معناست و هر دو به معنای مطالعه مقایسه‌ای می‌باشد با این تفاوت که اولی در زبان عربی و دومی در زبان فارسی رایج است. در مقاله حاضر از اصطلاح رایج در زبان فارسی (تفسیر یا قرآن پژوهی تطبیقی) استفاده می‌شود.

۴-۱. قرآن پژوهی

قرآن پژوهی که از اصطلاح رواج یافته در دوره معاصر است به معنای هر گونه پژوهشی است که به نوعی با قرآن کریم ارتباط دارد. خرمشاهی، که نخستین این اصطلاح بر زبان و قلم وی جاری شده و سپس مقبول عام و خاص گشته و رواج یافته است، در تعریف آن می‌نویسد: ...پسوند پژوهی به معنای شناسی است، اما اشکال آن را نداشته و تعبیری فروتنانه است، با این حال امروزه هرگونه تحقیق یا پژوهش قرآنی را می‌توان قرآن پژوهی نامید. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۵۲) بنابراین مقصود از قرآن پژوهی تطبیقی هرگونه بررسی و پژوهش مرتبط با قرآن کریم است که به شیوه مقایسه‌ای انجام می‌پذیرد. بر پایه این تعریف، قرآن پژوهی تطبیقی مطالعه تطبیقی مباحث و موضوعات و مفاهیم و معارف قرآنی و دیدگاه‌های مفسران در تفسیر قرآن، مطالعه تطبیقی مکاتب، روش‌ها و گرایش‌های

تفسیری، مطالعه تطبیقی آموزه‌های قرآن با سایر کتب آسمانی و مانند این‌هاست. هم‌چنین آنچه امروزه با عنوان تفسیر تطبیقی از آن یاد می‌شود، هرچند به معنای واقعی کلمه تفسیر تطبیقی قرآن کریم نباشد، نیز در مفهوم قرآن پژوهی تطبیقی داخل می‌شود. (طیب حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸، صفحه ۲۲۴)

۲. محورهای کلی قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی

به طور کلی مطالعات قرآن پژوهی تطبیقی یا درون قرآنی است یا برون قرآنی. مطالعات تطبیقی برون قرآنی خود به دو دسته تقسیم می‌شود: مطالعات تطبیقی درون دینی و مطالعات تطبیقی فرادینی. مطالعات تطبیقی فرادینی باز در چهار محور قابل انجام است: ۱. مطالعات تطبیقی بین قرآن و عصر جاهلی، ۲. مطالعات تطبیقی بین قرآن و سایر ادیان و کتب آسمانی، ۳. مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم بشری (اعم از علوم طبیعی، انسانی، پزشکی و...)، ۴. مطالعات تطبیقی میان قرآن و ادبیات. اما قسم دوم، یعنی مطالعات تطبیقی درون دینی خود به دو قسم تقسیم می‌شود: مطالعات تطبیقی درون مذهبی و مطالعات تطبیقی فرامذهبی. مطالعات تطبیقی فرامذهبی نیز خود به سه قسم تقسیم می‌شود: مطالعات تطبیقی تفسیری، مطالعات تطبیقی تفسیر پژوهی، مطالعات تطبیقی علوم قرآنی.

۲-۱. مطالعه تطبیقی درون قرآنی^۱

مقصود از مطالعات تطبیقی درون قرآنی، تطبیق و مقایسه بخشی از قرآن با بخشی دیگر آن است. این نوع مطالعه تطبیقی را می‌توان در حوزه‌های مختلفی از جمله سه محور مهم زیر دنبال کرد:

۲-۱-۱. در حوزه قصص قرآن

مثلاً می‌توان قصه دو پیامبر را در قرآن کریم با یکدیگر مقایسه کرد، یا قصه یک پیامبر که در دو سوره مختلف آمده است با یکدیگر مقایسه کرده شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را بررسی و راز نهفته در اختلافات و شباهت‌های آن را کشف کرد. برای نمونه قصه حضرت موسی در سوره اعراف و طه یا اعراف و بقره شباهت‌ها و در عین اختلافاتی به هم دارند. کشف

۱. به دلیل حجم زیاد مقاله، نمونه‌های هر یک از قلمروها در مباحث بعدی حذف شد.

راز این اختلاف‌ها و شباهت‌ها بستر یک مطالعه تطبیقی ادبی قرآنی است. همین طور سایر پیامبرانی که قصه آنها در چند سوره حکایت شده قابل یک مطالعه تطبیقی است.

۲-۱-۲. مقایسه دو سوره با یکدیگر

از جمله زمینه‌های مطالعه تطبیقی ادبی - قرآنی بخشی از قرآن با بخشی دیگر از آن، که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته آن است که مضمون دو سوره مشابه با یکدیگر مقایسه شود. برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند که سوره‌های قرآن به صورت دو به دو (زوج سوره) با یکدیگر شباهت مضمونی دارند. (مرادی زنجانی و لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹-۱۲۵) برای نمونه علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۹۴) مضمون دو سوره حدید و تغابن را شبیه و نزدیک به هم دانسته است.

۲-۱-۳. مقایسه تعابیر مشابه در قرآن

از دیگر زمینه‌های مطالعه تطبیقی بخشهای قرآن کریم با یکدیگر مطالعه زبانی - بلاغی عبارات مشابه در سوره‌های مختلف قرآن با یکدیگر است. این موضوع که در مباحث علوم قرآنی پیشینه درازی دارد، در دوره معاصر با روش‌های جدید مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته و دستاوردهای تفسیری ارزشمندی به همراه داشته است. بیشتر کتابهایی که با عنوان الایات المتشابهات یا نزدیک به این عنوان در گذشته و دوره معاصر نوشته شده به همین بحث پرداخته‌اند. دانش قرآنی آیات شبیه به هم (علم المتشابه/الایات المشتبهات) به عنوان یکی از مباحث علوم قرآنی، نیز همین موضوع را، که مبتنی بر پژوهشی مقایسه‌ای است، به بحث می‌گذارد. (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰، ج ۱، نوع ۵، سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، نوع ۶۳). در اختلاف تعابیر موجود در آیات شبیه به هم قرآن اسرار و حکمت‌های ظریفی نهفته است که اندیشه در باره آنها و آگاهی از آنها مفسران را به دقایق و ظرایف شگفت‌انگیزی در بیان قرآن و دریافت معارف گسترده‌تری از آیات قرآن نایل می‌سازد. مقایسه آیات به ظاهر مختلف و متناقض قرآن، به منظور فهم صحیح آنها و رفع تعارض و تناقض میان آنها نیز زیر مجموعه همین گونه قرار می‌گیرد.

هریک از این سه گونه مطالعه تطبیقی در صورتی که در بستر تفسیر موضوعی انجام گیرد، نتیجه آن در شناخت کاملتر و دقیق‌تر موضوع تأثیر شگرفی دارد. گاه نیز این نوع مطالعه تطبیقی با اغراض دیگری از جمله درک زیبایی‌ها و اعجاز نهفته در بیان قرآن، تفسیر

دقیق آیات شبیه به هم و کشف رازهای اختلاف تعبیر قرآن، کشف اسرار قصه‌های قرآن در هر سوره، یا کشف اغراض قصه‌های گزینش شده پیامبران در هر سوره و ارتباط هر قصه با غرض آن سوره، کشف دقیق‌تر اغراض محوری سوره‌های قرآن و... انجام می‌گیرد. (طیب-حسینی و همکاران، ۱۴۰۲، ش ۱۶، ص ۳۲-۵۹)

۲-۲. مطالعات تطبیقی برون قرآنی

مقصود از مطالعات تطبیقی برون قرآنی هر نوع مطالعات تطبیقی در باره قرآن، تفسیر و علوم قرآن است که فراتر از مطالعات تطبیقی درون قرآنی در سه محور یاد شده‌اش باشد. چنانکه اشاره شد این نوع مطالعات تطبیقی خود به دو قسم اساسی تقسیم می‌شود: یکی مطالعات تطبیقی فرادینی و دیگری مطالعات تطبیقی درون دینی.

۲-۲-۱. مطالعات تطبیقی فرادینی

مقصود از مطالعات تطبیقی فرادینی آن است که یک موضوع قرآنی (اعم از واژه، قصه، عموم موضوعات و مسائل) با موضوعی از سایر منابع خارج از قرآن کریم و دین اسلام به مقایسه و مطالعه تطبیقی گذاشته شود. این نوع مطالعه تطبیقی را می‌توان در ۴ محور انجام داد:

۲-۲-۱-۱. مطالعات تطبیقی بین الادیانی

یکی از قلمروهای پراقبال در مطالعات تطبیقی قرآن کریم، مطالعات تطبیقی آموزه‌هایی از قرآن کریم با سایر کتب آسمانی و دینی، یا بین الادیانی است. در این حوزه هم پیش از سایر حوزه‌ها، مطالعات تطبیقی انجام گرفته، و هم در مقایسه با سایر حوزه‌ها آثار فراوان‌تری در قالب مقاله و کتاب، یکی از موضوعات مشترک میان قرآن و عهدین را به صورت تطبیقی به بحث گذاشته‌اند. به علاوه در این قلمرو، هم محققان مسلمان صاحب آثار فراوانند و هم خاورشناسان آثار متعدد و ارزشمندی تألیف کرده‌اند. گفتنی است که مطالعات تطبیقی بین-الادیانی در موارد فراوان شایسته نام تفسیر تطبیقی است؛ زیرا به فهم و تفسیر دقیق‌تر و صحیح‌تری از آیات قرآن کریم منتهی شده است، همچنانکه در موارد فراوانی این مقایسه برتری آموزه‌های قرآن کریم نسبت به عهدین و سایر کتابهای دینی آسمانی را اثبات می‌کند. از مشهورترین این آثار که با هدف اخیر تألیف شده کتاب «التوراة و الانجیل و القرآن و العلم»

تألیف موريس بوكای فرانسوی است. برخی آثار در این حوزه نیز با هدف نشان دادن برتری آموزه‌های قرآن کریم نسبت به آموزه‌های عهدین تألیف شده است.

۲-۱-۲-۲. مطالعه تطبیقی بین‌العصری

یکی از حوزه‌های مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، مقایسه مفاهیم و معارف فرهنگی قرآن کریم با مفاهیم و فرهنگ رایج در دوره جاهلی (بین‌العصری) است. این نوع مطالعه تطبیقی برای فهم بهتر و روشن‌تر قرآن کریم، درک پابندی زبانی قرآن نسبت به زبان قوم، شناخت تغییر و تحولاتی که قرآن کریم در کاربرد مفاهیم و افزایش و کاهش معانی ایجاد کرده و یا آنها را ارتقا داده، شناخت میزان تحولات و ارتقای فرهنگی که قرآن کریم در مقایسه با فرهنگ جاهلی ایجاد کرده و... انجام می‌شود. از این رو مهم‌ترین بسترهای این حوزه از مطالعات تطبیقی، معنانشناسی تاریخی و فرهنگی مفاهیم قرآن کریم است. در این حوزه نیز کم و بیش آثار پراکنده‌ای پژوهش و منتشر شده است.

۳-۱-۲-۲. مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای

یکی از حوزه‌های پراهمیت و ضروری برای مطالعات تطبیقی در دوره معاصر مطالعات تطبیقی میان قرآن و علوم بشری، اعم از علوم طبیعی، انسانی، پزشکی و... یا مطالعات میان رشته‌ای در مسائل و موضوعات مختلف، است. این مطالعات علی‌رغم اهمیتی که دارد، هم بسیار دشوار است و هم نیاز به قواعد و الزامات خاص خود دارد و در عین حال هنوز در آغاز راه است. بر خلاف سایر حوزه‌های مطالعات تطبیقی که آثار نسبتاً خوبی در زمینه آنها تألیف شده، در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای بین قرآن کریم و سایر علوم به ویژه علوم انسانی که از اهمیت بیشتری برخوردار است، آثار ارزشمند انجام‌یافته‌ای که بتوان به عنوان الگو معرفی کرد اندک است. مهمترین چالش فراروی این حوزه از مطالعات تطبیقی، نیاز پژوهشگر به تخصص در دو حوزه دانشی است که تاکنون به ندرت حاصل شده است. برای یک مطالعه میان‌رشته‌ای مطلوب لازم است یک پژوهشگر هم مثلاً در روانشناسی یا اقتصاد یا جامعه‌شناسی و... دارای تخصص باشد و هم در تفسیر قرآن متخصص و صاحب نظر باشد، که البته نادر است. معمولاً کسانی که در علوم انسانی صاحب نظرند در تفسیر تخصص لازم و کافی ندارند و کسانی که در تفسیر قرآن تخصص دارند در علوم انسانی فاقد تخصص می‌باشند. در مطالعات میان‌رشته‌ای، روش تحقیق و روش‌شناسی نیز نقش بسیار مهمی دارد که اغلب

پژوهشگران دینی فاقد آشنایی و مهارت کافی با روش‌های تحقیق رایج در علوم انسانی هستند. به علاوه اینکه در کشور ما، پژوهشگران فاقد مهارت مطلوب برای کارهای مشترک‌اند. این همه موجب شده مطالعات میان‌رشته‌ای هنوز از پیشرفت مطلوب برخوردار نباشند. با این همه برخی تلاش‌ها برای مطالعات میان‌رشته‌ای قابل ستایشند. به دلیل اهمیت و پیچیدگی این حوزه از مطالعات تطبیقی، لازم است تحقیق مستقلی در باره آن انجام گیرد.

۲-۱-۴. مطالعات تطبیقی میان قرآن و ادبیات

یکی از گونه‌های مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی فرادینی مطالعات تطبیقی میان برخی قصه‌های قرآن با قصه‌هایی مشابه در ادبیات سایر ملل به ویژه ادبیات فارسی است. به دلیل برخوردای ادبیات تطبیقی از سابقه و تجارب بیشتر، این قلمرو از مطالعات تطبیقی قرآنی، گرچه مستقیماً به حوزه تفسیر قرآن ارتباط ندارد، اما به مطالعات تطبیقی قصه‌های قرآن و عهدین و نیز مقایسه قصه‌های قرآن در یک‌سوره با سوره دیگر کمک شایانی می‌کند، و محققان را توانمند می‌سازد تا با بهره‌مندی از تجارب دانشمندان نقد ادبی تحلیل‌های بهتری از قصه‌های قرآن ارائه دهند.

۲-۳. مطالعات تطبیقی درون‌دینی

حوزه دوم از مطالعات تطبیقی برون‌قرآنی، مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی درون‌دینی است. مقصود از مطالعات تطبیقی درون‌دینی آن است که یک مطالعه تطبیقی با محوریت دین اسلام در حوزه علوم و تفسیر قرآن و تفسیرپژوهی انجام گیرد. این حوزه از قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن اولاً با تفسیر تطبیقی به معنای خاص نزدیک‌تر است، ثانیاً نسبت به سایر گونه‌ها، بیشتر مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته است، و ثالثاً از گونه‌های بیشتری برخوردار است. این حوزه از مطالعات تطبیقی در یک نگاه کلان‌تر در دو شاخه قابل انجام است: مطالعات تطبیقی مذهبی، مطالعات تطبیقی فرامذهبی.

۲-۳-۱. مطالعات تطبیقی مذهبی

مقصود از مطالعات تطبیقی مذهبی آن است که عنصر مذهب در مطالعه تطبیقی نقش ایفا کند. یعنی هم آیه یا موضوعی که انتخاب می‌شود جنبه مذهبی (کلامی، فقهی) دارد و هم مفسرانی که دیدگاهشان مقایسه می‌شود با توجه به مذهب شان انتخاب می‌شوند. به

عبارت دیگر مذهب مفسر در نوع تفسیر وی از آیات قرآن تأثیرگذار است. این شاخه، خود در دو بخش متفاوت قابل انجام است:

۲-۳-۱. مطالعات تفسیر تطبیقی بین مذهبی

در این گونه تفسیر یک آیه یا موضوع قرآنی میان مفسران دو مذهب مختلف از مذاهب اسلامی مقایسه می‌شود. عمده آثاری که با پسوند «فریقین»، «شیعه و اهل سنت»، و مشابه آن انجام و منتشر شده ذیل این بخش قرار می‌گیرد. در این حوزه از مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، معمولاً آیه‌ای با موضوع کلامی یا فقهی که مورد اختلاف دو فرقه شیعه و اهل سنت است به مطالعه تطبیقی گذاشته شده و دیدگاه مفسران دو مذهب مختلف در تفسیر آن مقایسه می‌شود. گاه نیز دیدگاه‌های دو مفسر وابسته به دو مذهب مختلف در باره یک آیه یا موضوع فقهی یا کلامی قرآنی، مثلاً دیدگاه علامه طباطبائی از شیعه با فخر رازی از اهل سنت، مقایسه می‌شود. گفتنی است که این دو محور از مطالعات تفسیر تطبیقی، یعنی:

۱. مطالعات دیدگاه دو مذهب در باره آیه‌ای کلامی، یا آیه‌ای فقهی، ۲. مقایسه دیدگاه دو مفسر وابسته به دو مذهب مختلف در باره آیه‌ای فقهی یا کلامی، در حال حاضر از رواج بیشتری برخوردار است، اما گونه‌های این قسم از مطالعات تفسیر تطبیقی به این دو محور محدود نمی‌شود و محورهای زیادی‌تری به تعداد مذاهب کلامی و فقهی موجود و از میان‌رفته اسلامی وجود دارد. برای نمونه در حوزه آیات فقهی و مفسران متعلق به مذاهب مختلف فقهی، این مذاهب شهرت داشته و دارای اندیشه تفسیری می‌باشند: شیعه امامی، اسماعیلیه، زیدیه، ظاهریه، حنفی، شافعی، مالکی، و حنبلی. هر دو مذهب از این مذاهب می‌تواند محور تفسیر تطبیقی یک آیه یا موضوع فقهی قرآنی باشد. علاوه براین می‌توان میان هر دو مفسر وابسته به دو مذهب مختلف از این مذاهب نیز در خصوص هر یک از آیات و موضوعات فقهی یک مطالعه تطبیقی انجام داد. در بخش مذاهب کلامی نیز این مذاهب رواج دارند: امامیه، اهل حدیث، معتزله، اشاعره، ماتریدیه، سلفیه، خوارج و... که می‌توان یکی از آیات یا موضوعات کلامی در قرآن را محور تفسیر یا مطالعه تطبیقی میان دو مذهب مختلف یا دو مفسر وابسته به دو مذهب مختلف قرار داد. و بدین ترتیب گونه‌ها و زمینه‌های بسیار زیادی برای مطالعه و تفسیر تطبیقی فراهم می‌شود.

مطالعات تطبیقی میان مذهبی با توجه به زمینه اختلاف مذهب میان مذاهب مختلف اسلامی در دو شاخه اساسی و اصلی باید دنبال شود:

۲-۳-۱-۱. تفسیر موضوعی کلامی از قرآن میان مذاهب مختلف کلامی

یکی از حوزه‌های مهم و جذاب برای تفسیر تطبیقی، حوزه آیات کلامی قرآن است. شاید بیشترین پژوهشهایی که تاکنون در حوزه تفسیر تطبیقی انجام شده مرتبط با این حوزه، به ویژه مباحث کلامی مورد اختلاف میان دو فرقه شیعه و اهل تسنن (اشاعره) اختصاص یافته است.

۲-۳-۱-۲. تفسیر تطبیقی آیه‌ای فقهی میان مذاهب مختلف فقهی

دومین بخش مهم و برجسته در حوزه تفسیر تطبیقی، به مطالعات تطبیقی آیات فقهی قرآن میان مذاهب مختلف فقهی اختصاص دارد. با اینکه تاکنون مقالات و پایان‌نامه‌هایی در این حوزه تألیف شده، اما آن گونه که شایسته این بخش از آیات قرآن و مباحث فقهی قرآن است مطالعه تطبیقی انجام نگرفته است، و این احتمالاً به دو دلیل بوده است: یکی تخصصی بودن مباحث فقهی، که موجب شده هر دانشجو و محقق به خود اجازه ندهد وارد این عرصه از مطالعات تطبیقی بشود، و دوم روایت محور بودن فقه شیعه است. از آن جا که فقهای شیعه برای استنباط احکام فقهی کمتر به تحلیل و تبیین و تفسیر آیات روی آورده و بیشتر بلکه به طور کامل از روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای کشف و استنباط احکام فقهی بهره می‌گیرند، کمتر مباحث تطبیقی بر روی آیات فقهی قرآن انجام گرفته است. در حالی که ضرورت مطالعات تطبیقی در این شاخه توسط محققان ماهر غیرقابل انکار است.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که آن تعداد آثاری که تا کنون در این شاخه، پژوهش و منتشر شده است نیز، همانند مباحث کلامی، به مطالعه دیدگاه‌های مذهب شیعه با همه مذاهب اهل سنت، به عنوان یک فرقه، محدود شده است. اما مطالعات تطبیقی دیدگاه‌های مذاهب فقهی اهل سنت با یکدیگر، برای محققان شیعی تاکنون جذابیت و اهمیتی نداشته و محققان اهل تسنن نیز به این حوزه از مطالعات تطبیقی اقبالی نشان نداده‌اند. گویا آنان مذاهب رایج فقهی را پذیرفته‌اند و در مطالعات تطبیقی بیش از آنکه دیدگاه‌های مذاهب مختلف را در کنار هم جمع کنند، تلاش دیگری نداشته و به همه آنها به دیده قبول و احترام نگریسته‌اند و تلاشی در جهت نقد و داوری میان دیدگاه‌ها و معرفی دیدگاه صحیح‌تر به کار نبرده‌اند، در

حالی که این زمینه وجود داشته که این مطالعه تطبیقی به میان مذاهب فقهی اهل سنت و یا میان مذهب شیعه و یکی از مذاهب فقهی اهل سنت و نیز میان مذاهب فقهی شیعه - مثلاً میان شیعه امامیه و زیدیه - نیز انجام گیرد. اما از آنجا که احساس می‌شود این حوزه از مطالعات تطبیقی از نظر کاربردی ثمره چندانی ندارد، محققان شیعی تاکنون به آن وارد نشده‌اند.

۲-۳-۱-۲. مطالعات تفسیر تطبیقی درون مذهبی

در این قسم، دیدگاه دو مفسر وابسته به یک مذهب در حوزه آیات فقهی و کلامی و گاه سایر آیات قرآن بررسی می‌شود، تا تفاوت دیدگاه‌ها، و یا تحولاتی که در دیدگاه آنها رخ داده، از طریق مطالعه تطبیقی رصد و پیگیری شود. برای این گونه از تفسیر تطبیقی نیز زیر مجموعه‌های متنوعی وجود دارد. برخی از زیرمجموعه‌های این گونه عبارتند از:

أ. مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر وابسته به یک مذهب در دو دوره تاریخی. مثلاً مقایسه دیدگاه‌های علامه طباطبایی (معاصر) با شیخ طوسی (قرن پنجم) یا طبرسی (قرن ششم)، یا مقایسه دیدگاه‌های ملافتح الله کاشانی در منهج الصادقین، به منظور شناخت میزان تأثیرپذیری مفسر دوم از مفسر نخست و میزان نوآوری‌ها و تحولات دیدگاه مفسر دوم.

ب. مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر وابسته به یک مذهب در دو بوم جغرافیایی متفاوت، مثلاً مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبایی (ایران) با محمدجواد مغنیه صاحب تفسیر الکاشف (لبنان) یا با سیدمحمد حسین فضل‌الله صاحب من وحی القرآن (لبنان)، یا مقایسه دیدگاه‌های تفسیری فخررازی (ایران) با ابن عطیه اندلسی (اندلس)، به منظور کشف تأثیر بوم جغرافیایی مفسر بر دیدگاه‌های تفسیری‌اش.

ج. مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر استاد و شاگرد، از یک مذهب، به منظور شناخت میزان تأثیرپذیری و نوآوری‌های مفسر شاگرد نسبت به مفسر استاد، مانند مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبایی در یک موضوع با دیدگاه‌های تفسیری آیت‌الله جوادی آملی در تسنیم، یا قرشی در احسن الحدیث یا مکارم در تفسیر نمونه، در یکی از موضوعات کلامی، فقهی، اجتماعی و... این نوع مطالعه تطبیقی که میان دیدگاه‌های تفسیری استاد و شاگرد انجام می‌گیرد، لزوماً مذهبی نیست و می‌توان آن را زیر مجموعه مطالعات تفسیر تطبیقی فرامذهبی هم قرار داد.

د. مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های علوم قرآنی مفسران وابسته به یک مذهب. علاوه بر سه گونه فوق، می‌توان در هر سه حوزه دیدگاه‌های علوم قرآنی مفسران وابسته به یک مذهب را نیز به صورت تطبیقی با هدف شناخت شباهتها و اختلاف‌های آنها و تحولاتی که در دیدگاه‌های آنها ممکن است رخ داده باشد، و میزان نوآوری‌های مفسر متأخرتر بررسی کرد. برای نمونه، دیدگاه‌های علوم قرآنی سیوطی (قرن دهم) با زرکشی (قرن هشتم)، دیدگاه‌های علوم قرآنی آیت‌الله خویی در البیان با آیت‌الله معرفت در التمهید، یا با آیت‌الله فاضل در مدخل التفسیر، دیدگاه‌های علامه طباطبایی با آیت‌الله جوادی و... را می‌توان به صورت تطبیقی پژوهش کرد.

گفتنی است که تفسیر مقارن در میان اهل سنت عمدتاً میان اصل تفسیر و یا روشها و گرایشهای آن رواج دارد و کمتر به جنبه‌های مذهبی مفسران توجه شده است. در حالی که شایسته است این بُعد از تفسیر تطبیقی نیز مورد توجه پژوهشگران اهل سنت قرار گیرد.

۲-۳-۲. مطالعات تطبیقی فرامذهبی

مقصود از مطالعات تطبیقی فرامذهبی آن است که دیدگاه‌های دو صاحب نظر در حوزه تفسیر و علوم قرآن و تفسیرپژوهی، فارغ از تأثیر مذهب آنها در دیدگاهشان، به مطالعه تطبیقی و مقایسه گذاشته شود. مثلاً دیدگاه دو مفسر در تحلیل نحوی یا بلاغی آیه‌ای، با یکدیگر سنجیده شود، یا دو روش تفسیری با یکدیگر مقایسه شود. برای این حوزه از مطالعات تطبیقی نیز زیرحوزه‌های خردتری وجود دارد که از یک منظر در سه شاخه قابل انجام است:

۲-۳-۱. مطالعات تطبیقی تفسیری

در مطالعات تطبیقی فرامذهبی تفسیری پژوهشگر دیدگاه‌های تفسیری دو مفسر را فارغ از مذهبشان، معمولاً با هدف کشف تفسیر بهتر و صحیح‌تر، با یکدیگر مقایسه می‌کند. در این گونه مطالعه تطبیقی، آیات یا موضوعاتی که برای مطالعه تطبیقی انتخاب می‌شوند جنبه کلامی یا فقهی ندارند، و یا اگر دارند از آن جنبه فقهی و کلامی تحقیق نمی‌شوند. مثل آنکه جنبه‌های ادبی یا بلاغی آیه‌ای مورد بحث قرار گیرد. این نوع مطالعه تطبیقی را در سه بخش تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی می‌توان انجام داد.

۲-۳-۱-۱ مطالعات تفسیر ترتیبی تطبیقی

در این نوع مطالعه تفسیر تطبیقی، پژوهشگر یک آیه یا یک سوره از قرآن را محور پژوهش قرار داده و دیدگاه‌های دو مفسر یا دو مکتب تفسیری را، فراتر از دیدگاه‌های مذهبی آنها، با یکدیگر مقایسه می‌کند تا تفاوت دیدگاه‌های آن دو مفسر یا دو مکتب تفسیری را به دست آورد و از این طریق به تفسیر صحیح‌تری از آیه یا سوره شریف نائل آید.

۲-۳-۱-۲ مطالعات تفسیر موضوعی تطبیقی

در این نوع مطالعه تفسیر تطبیقی پژوهشگر یکی از موضوعات مهم از معارف قرآن را محور مطالعه تطبیقی قرار داده و دیدگاه مفسران یا مکاتب تفسیری را با یکدیگر مقایسه می‌کند. تحقیق در مفاهیم قرآن و مباحث ادبی بلاغی و نقش آن در فهم آیات قرآن کریم از جمله موضوعات مهم برای مطالعه تطبیقی موضوعی است. از دیگر موضوعات مهم قرآنی که ظرفیت زیادی برای مطالعات تفسیر تطبیقی دارد، موضوع زن و خانواده در قرآن کریم است. به دلیل اهمیت و گستردگی این حوزه، آن را به صورت مستقل مطرح می‌کنیم:

۲-۳-۱-۳ مطالعات تطبیقی تفسیر آیات مرتبط با موضوع زن و خانواده

امروزه به مناسب گسترش جهانی مباحث مرتبط با موضوع زن و خانواده و رویکردهای فمینیستی به زن، این موضوع از ضرورت و اهمیت فراوانی برخوردار شده است، از این رو شناخت دیدگاه اسلام و قرآن کریم در باره موضوع زن و خانواده نیز دارای اهمیت فراوان است. بالتبع مطالعات تطبیقی در این حوزه نیز، به منظور شناخت بهتر و بیشتر دیدگاه قرآن و مفسران مسلمان ضروری به نظر می‌رسد، به علاوه این که این حوزه از مطالعات تفسیر تطبیقی از تنوع زیادی برخوردار است. با اینکه در این حوزه مطالعات تطبیقی پراکنده‌ای انجام گرفته، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کند مطالعات تطبیقی گسترده‌تری در این باره انجام گیرد و ظرفیت فراوانی برای تدوین رساله و پایان‌نامه دارد. از جمله نمونه تحقیقات روشمندی که در این موضوع انجام گرفته و می‌اند الگوی مناسبی برای طلاب و دانشجویان قرار گیرد، کتاب «بررسی تطبیقی آیات بحث برانگیز مربوط به زنان، با تأکید بر المنار، المیزان و من وحی القرآن» تألیف محمدحسن شیرزاد است. مؤلف در این کتاب ۸ آیه مورد گفتگو و مناقشه مفسران در باره زنان را در یک مطالعه تطبیقی به بحث گذاشته و دیدگاه سه مفسر مشهور

معاصر، عبده، طباطبایی و فضل الله، را در تفسیر آیات مورد اشاره با یکدیگر مقایسه کرده است.

۲-۳-۲. مطالعات تطبیقی تفسیر پژوهی

مقصود از تفسیر پژوهی همه مباحث مربوط به تفسیر و اصطلاحات تفسیری است که شاخه‌ای از علوم قرآنی به شمار می‌آید که در دوره معاصر، به دلیل اهمیتی که دارد، مورد اقبال قرار گرفته است. مباحث مربوط به روش تفسیر، گرایش تفسیری، مکتب تفسیری، مبانی تفسیر، اصول تفسیر، قواعد تفسیر، منابع تفسیر و مباحثی از این دست، که بنیان تفسیر بر آنها نهاده می‌شود، زیر مجموعه عنوان تفسیر پژوهی قرار می‌گیرد. همواره بخشی از اختلاف مفسران در تفسیر آیات قرآن کریم ریشه در همین مباحث بنیادی دارد. به همین دلیل در کنار ضرورت مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های مفسران مذهبی و فرامذهبی در تفسیر قرآن کریم به منظور درک تفسیر صحیح‌تر قرآن کریم، ضروری است مبانی مفسران در تفسیر قرآن، اصول و قواعدی که در تفسیر به کار می‌بندند، منابع تفسیری و سایر مسائل بنیانی تفسیر به مطالعه تطبیقی نهاده شود تا ریشه اختلافات آنها کشف گردد. حتی گاه ضرورت این نوع مطالعه تطبیقی از مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری مفسران ضرورت بیشتر دارد. این حوزه از مطالعات تطبیقی تفسیری و تفسیر پژوهی در محورهای ذیل قابل انجام است:

۲-۳-۲-۱. مطالعه تطبیقی مبانی تفسیر

یکی از حوزه‌های مهم در مطالعات تفسیر تطبیقی، مطالعه مبانی تفسیری دو مفسر یا مبانی دو روش یا مبانی دو گرایش تفسیری است. در باره مبانی تفسیر تعاریف مختلف ارائه شده است. مبانی تفسیر گزاره‌های بنیادینی هستند که هم جواز و حقانیت تفسیر قرآن را اثبات می‌کند و هم پس زمینه‌های مفسر در باره تفسیر قرآن را بیان می‌کنند و این گزاره‌ها بر روش و رویکرد مفسر و اصول و قواعد تفسیر قرآن اثرگذار است. (روحی دهکردی و تجری، ۱۳۹۴، ش ۷۷، ص ۱۱۴) این حوزه از مطالعات تفسیر تطبیقی هم به صورت مستقل ممکن است انجام شود، یعنی یک پژوهشگر موضوع تحقیق خود را مبانی تفسیری دو مفسر، یا مبانی دو روش تفسیری قرار دهد، و هم ممکن است به صورت غیر مستقیم بررسی و مطالعه شود، یعنی هنگامی که یک پژوهشگر به مطالعه تطبیقی دیدگاه دو مفسر یا دو تفسیر قرآن در باره تفسیر آیه یا موضوعی از قرآن کریم می‌پردازد، به مقایسه مبانی آن دو مفسر با یکدیگر

نیز بپردازد. بنابراین در هر پژوهش تفسیر تطبیقی، بر پژوهشگر فرض است که از اختلافات ظاهری مفسران در تفسیر آیات قرآن عبور کرده، بر اختلافات بنیادین و مبنایی آنها تمرکز و تحقیق کند و با مقایسه میان مبانی آنها در باره تفسیرشان داوری کند.

این حوزه از مطالعات تفسیر تطبیقی، خود زیر حوزه‌های مختلفی دارد، مانند: مطالعه تطبیقی مبانی دو مفسر، مطالعه تطبیقی مبانی دو تفسیر قرآن، مطالعه تطبیقی مبانی دو روش تفسیری، مطالعه تطبیقی مبانی دو مکتب تفسیری و...

۲-۳-۲-۲. مطالعه تطبیقی روش‌های تفسیری

امروزه مباحث روش‌شناسی تفاسیر از اهمیت و اقبال زیادی برخوردار شده است. چه پرداختن به بحث روش‌شناسی از مباحث بنیادین تفسیر قرآن است. از طرفی از عصر صحابه تاکنون، مفسران با روش‌های مختلفی به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند. در دوره معاصر که مباحث روش‌شناسی تفسیر قرآن مطرح شد و نُضج گرفت، روش‌های مختلفی در تفسیر قرآن کشف و معرفی شده است. در باره روش یا منهج تفسیر تعاریف مختلفی بیان و گاه میان روش و گرایش خلط شده است. (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۶؛ هدی جاسم، ۱۳۷۲، ص ۲۲-۲۳؛ طیب حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۰-۴۴) برخی نویسندگان مقصود از روش تفسیر را همان مکتب تفسیری می‌دانند با این تفاوت که معتقدند مکتب تفسیری ماهیت نظری دارد و روش تفسیری ماهیت عملی دارد. (نک: بابایی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸) بنابراین نگاه، روش‌های تفسیری با مکاتب تفسیری تناظر دارند و هر مکتب تفسیری، یک روش تفسیری به همراه دارد. تعریف دیگر می‌گوید: روش امر فراگیری است که مفسر آن را در همه آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود و این صرفاً در حوزه منابع و مستندات تفسیر دیده می‌شود. (شاگرد، همانجا) مطابق این تعریف خاستگاه روش تفسیری منابع و مستندات تفسیراند. به عبارت دیگر این منابع به کارگرفته شده در تفسیر قرآنند که تعیین کننده روش بوده و روش‌های مختلف را از یکدیگر متمایز می‌سازند. بر این اساس روش‌های تفسیر در ۴ روش اساسی منحصر و محدود می‌شود، زیرا منابع و مستندات تفسیر ۴ چیزند: مستندات تفسیر یا نقل است (روش نقلی یا مأثور)، یا عقل است (روش عقلی)، یا شهود است (روش عرفانی) و یا تجربه و علم (روش علمی). سایر روش‌های تفسیر نیز به این چهار روش برمی‌گردد. مثلاً تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی، تفسیر صحابه و تابعان و... به

روش تفسیر نقلی، روش تفسیر باطنی به تفسیر عرفانی، روش ادبی به تفسیر عقلی باز می‌گردد و... (طیب حسینی، همانجا، ص ۴۲) با این حال برخی پژوهشگران با ترکیب این روش‌ها و با مشرب خاص خود، خرده روش‌های تفسیری زیادتری را معرفی کرده‌اند که هر یک از اینها قابل مطالعه تطبیقی و مقایسه است. (بابایی، همان، ص ۲۵-۲۹) نیز می‌توان دو تفسیر وابسته به دو روش متفاوت تفسیری را با یکدیگر مقایسه کرده، ضمن کشف نقاط اشتراک و اختلاف آنها، امتیازات و برتری هریک را در کشف مراد الهی و تفسیر قرآن شناخت و شناساند. از زیرشاخه‌های این گونه از مطالعات تفسیرپژوهی تطبیقی آن است که پژوهشگر دو تفسیر دارای روش مختلف را با یکدیگر مقایسه کند.

۲-۳-۲. مطالعه تطبیقی گرایش‌های تفسیری

از دیگر حوزه‌های مطالعات تفسیر تطبیقی، مقایسه میان دو گرایش یا اتجاه تفسیری به منظور شناخت تفاوتها و اشتراکات دو گرایش تفسیری و مزیت هر یک بر دیگری در تفسیر قرآن است. تعاریف قرآن پژوهان از گرایش یا اتجاه (گرایش / رویکرد) تفسیر نیز متفاوت است (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۷-۴۸؛ طیب حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۷-۴۰) اما تعریف ذیل از گرایش، امروزه نزد بیشتر محققان مقبول افتاده است: گرایش تفسیری همان هدفی است که مفسر در تفسیر خود به آن روی می‌آورد و در نوشتن تفسیر آن را نصب العین خود قرار می‌دهد. (رومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۲-۲۳) بنابراین تعریف، مشهورترین گرایش‌های تفسیری عبارتند از گرایش‌های: کلامی، فقهی، ادبی، علمی، تربیتی، هدایتی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی، وعظی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، انقلابی، عصری و... (طیب حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۹-۴۰) پژوهشگر می‌تواند هر یک از این گرایش‌ها را که با هم نقطه مشترک یا قرابت دارند، با یکدیگر مقایسه کند. از زیرشاخه‌های این گونه از مطالعات تفسیرپژوهی تطبیقی آن است که پژوهشگر دو تفسیر دارای رویکرد و گرایش مختلف را با یکدیگر مقایسه کند.

۲-۳-۲. مطالعه تطبیقی مکاتب تفسیری

در زبان عربی از مکاتب به «مدرسة» تعبیر می‌شود. مدرسه تفسیر کوفه، یعنی مکتب تفسیر کوفه، یا مدرسه حدیثی قم، یعنی مکتب حدیثی قم، یا المدارس النحویة، یعنی مکاتب نحوی. در تعریف مدرسه / مکتب گفته‌اند: گروهی از فیلسوفان، متفکران یا پژوهشگران که روش معینی را پذیرفته باشند یا به نظر مشترکی رسیده باشند. (انیس و همکاران، ۱۴۰۸،

ماده «درس» نیز گفته‌اند: به مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته یا شایع شده باشد، مکتب آن استاد گویند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۳۸۴). در زبان عربی مدرسه (مکتب) تفسیر را هم به استاد نسبت می‌دهند، مثلاً می‌گویند: مدرسه تفسیر ابن عباس، مدرسه تفسیر ابن مسعود و... هم به مکانی که استادان صاحب مکتب در آنجا حضور داشته‌اند نسبت می‌دهند، مثلاً می‌گویند مدرسه تفسیر مکه، مدرسه تفسیر مدینه، مدرسه تفسیر اندلس و... و هم به خود دیدگاه و روش مشترک و پذیرفته شده از سوی آن جمع نسبت می‌دهند، مثلاً می‌گویند: مدرسه تفسیر عقلی، مدرسه تفسیر ادبی، مدرسه تفسیر قرآن به قرآن، مدرسه تفسیر روایی و... بنابراین ویژگی مکتب یا مدرسه تفسیری آن است که اولاً دارای روش مشترک یا دیدگاه مشترکی در تفسیر قرآن باشد، ثانیاً آن دیدگاه از سوی یک استاد و مفسری مطرح شده و در جمعی از شاگردان بی‌واسطه و باواسطه اش نفوذ یافته باشد، به عبارت دیگر از سوی جمعی پذیرفته و در تفسیر به کار گرفته شده باشد. در این صورت به آن دیدگاه یا روش مکتب تفسیری گفته می‌شود. با این توضیح، می‌توان هر دو روش یا دیدگاهی در چگونگی تفسیر قرآن که مطرح شده و گروهی از مفسران آن روش یا دیدگاه را پذیرفته و به کار گرفته باشند را می‌توان به صورت تطبیقی مطالعه و آنها را با یکدیگر مقایسه کرد. مثلاً در مورد تفسیر قرآن به قرآن می‌توان گفت: مطالعه تطبیقی مکتب تفسیر قرآن با قرآن، یا مکتب علامه طباطبایی، یا فرضاً مکتب تفسیر قرآن به قرآن قم، با مکتب مثلاً تفسیر قرآن به قرآن عبده، یا تفسیر ادبی یا مکتب تفسیر قرآن به قرآن مصر. هم‌چنین می‌توان مکتب تفسیری قم را به طور مطلق با مثلاً مکتب تفسیری مصر یا لبنان یا سوریه و هر جای دیگری که دارای مکتب تفسیری خاص و شناخته‌شده‌ای مقایسه کرد. اما انتساب مکتب به شهر با همه جامعیتش می‌تواند یکی از محورهای مطالعات تفسیر تطبیقی باشد، مثل مطالعه تطبیقی مکتب تفسیری قم با مکتب تفسیر نجف، یا مکتب تفسیری لبنان، و...

۲-۲-۵. مطالعه تطبیقی اصول و قواعد دو روش یا مکتب تفسیری

بحث درباره اصول و قواعد تفسیر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و صحت و سقم بسیاری از تفاسیر و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری و مفسران به نوع اصول و قواعدی که در تفسیر قرآن به کار می‌گیرند وابسته است. مبتنی بر این اهمیت، یکی از حوزه‌های مطالعات تفسیر تطبیقی، مقایسه میان اصول و قواعدی است که دو تفسیر قرآن، دو مفسر قرآن، یا دو

روش و مکتب تفسیری، از آنها برای تفسیر قرآن بهره می‌گیرند. در باره ترادف یا تفاوت اصول با قواعد تفسیر، یا اصول با مبانی تفسیر بحث و اختلاف نظر است. (فاکر میبیدی، ۱۴۲۸، ص ۳۰-۳۴؛ بابایی، ۱۳۹۲، ص ۱۶)، همانگونه که در فصل مبانی تفسیر تطبیقی بیان شد می‌توان اصول را به بنیان‌هایی که تفسیر بر آنها استوار می‌شود، یا به منشأ و مصادر تفسیر، و همچنین ضوابط ناظر به کلیت تفسیر که همه بخش‌های آن را پوشش می‌دهد» تعریف، در مقابل قواعد تفسیر که حکم‌هایی کلی هستند که با آن، احکام جزئی تفسیر آیات قرآن شناخته می‌شود؛ «حکمٌ کُلِّیٌّ تُتَعَرَّفُ به علی احکام جزئیة» (السبت، ۱۴۲۶، ص ۲۳) یا «دستورالعمل‌هایی مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی که تفسیر قرآن را ضابطه‌مند کرده و با رعایت آن‌ها، خطا در فهم معنا و مراد آیات کاهش می‌یابد» (بابایی، همان، ص ۱۶). بنابراین، اصول و قواعد تفسیر هر دو، از هنجارها و باید و نبایدهای تفسیر هستند، با این تفاوت که قواعد تفسیر جزئی‌ترند و بستر تفسیر بخشی از قرآن را فراهم می‌کنند و اصول تفسیر کلان‌تر بوده و به کلیت تفسیر قرآن نظر دارد، مانند: «ضرورت تفسیر قرآن مطابق فرهنگ عصر نزول و قرائت صحیح و رایج»، «ضرورت اخذ تفسیر از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ» و... بر اساس این تعریف می‌توان به مطالعه تطبیقی اصول و قواعدی که هر یک از مفسران، یا مکاتب و روش‌های تفسیر، به خدمت می‌گیرند تا آیات کتاب الهی را تفسیر کنند، روی آورد. هم‌چنین می‌توان کاربرد هر یک از اصول و قواعد تفسیر توسط دو مفسر را با یکدیگر مقایسه کرد.

۲-۳-۲-۶. مطالعه تطبیقی منابع تفسیر

یکی از حوزه‌های تفسیرپژوهی تطبیقی منابع تفسیر است. مقصود از منابع تفسیر در اینجا اعم از منابع و مستندات ۴ گانه تفسیر است که در روش تفسیر به آن اشاره شد. همه مستندات و منابع مکتوب و غیر مکتوب با همه تنوعش، و اعم از منابع با واسطه و بی‌واسطه، یا منابع دست اول و غیر دست اول، که مورد استفاده مفسران در امر تفسیر قرآن قرار می‌گیرد و هر مفسر با تکیه بر آنها به تفسیر آیات الهی و کشف مرادات خداوند از آیات شریفه قرآن می‌پردازد، در اینجا جزو منابع تفسیر قرار می‌گیرد. بحث در باره منابع تفسیر از اهمیت بسیاری برخوردار است و در اعتبار یا عدم اعتبار تفسیر نقش بسزایی دارد. مثلاً اگر کسی برای تفسیر تابعین اعتباری قائل نباشد، یا تفسیر فرات کوفی را غلوآمیز دانسته و برای آن

ارزشی قائل نباشد، تفاسیری را که از این دو منبع بهره گرفته‌اند نقد و رد می‌کند. به طور کلی منابع تفسیر را می‌توان به دو قسم معتبر و نامعتبر تقسیم کرد و بر اساس این تقسیم در یک مطالعه تطبیقی به ارزیابی تفاسیر قرآن یا مکاتب تفسیری پرداخت و میزان اعتبار آنها را از نظر به کارگیری منابع ارزش گذاری کرد. در مطالعه تطبیقی می‌توان منابع تفسیری دو مکتب یا دو روش تفسیری یا دو مفسر و یا دو تفسیر را با یکدیگر مقایسه کرد. نیز می‌توان منابع تفسیری فرقی و مذاهب اسلامی را با یکدیگر مقایسه کرد، یا مثلاً منابع تفسیری شیعه را با اهل سنت، یا با مذهب زیدیه، اسماعیلیه، نیز منابع تفسیر معتزله با اشاعره، و نظیر اینها را در یک مطالعه تطبیقی با یکدیگر مقایسه کرد. در این حوزه از مطالعات تطبیقی، مطالعه تطبیقی منابع تفسیر دو مذهب شیعه و اهل سنت از اهمیت و رواج بیشتری برخوردار است.

۲-۳-۲-۷. مطالعه تطبیقی دو لون تفسیری

عبارات قرآن پژوهان در تعریف لون تفسیر بسیار پراکنده است و هنوز تعریف روشن، دقیق و یکسانی از لون تفسیری، که نفس به آن آرام گیرد و اصطلاح «لون» را از سایر مصطلحات تفسیرپژوهی، مثل منهج (روش)، اتجاه (گرایش)، و مکتب تفسیری متمایز کند، از آن ارائه نشده است. با این حال به نظر می‌رسد لون اعم از مکتب، روش و گرایش تفسیر باشد، به این معنا که هر یک از روش‌ها، گرایش‌ها و مکاتب تفسیری نشان دهنده لونی از تفسیر است، اما هر یک از روش‌ها یا گرایش‌ها یا مکاتب تفسیر می‌تواند از لون‌های مختلفی برخوردار باشد. به عبارت دیگر هر تفسیری از یک مفسر خاص می‌تواند دارای لون خاص و متفاوتی از سایر تفاسیر باشد. فی‌المثل در روش تفسیر قرآن به قرآن یا روش تفسیر روایی به تعداد مفسرانی که به این شیوه تفسیر نوشته‌اند لون تفسیری وجود دارد. بنابراین تفسیر روایی نورالثقلین خویزی برخوردار از لونی متفاوت از تفسیر روایی البرهان بحرانی است، یا تفسیر قرآن به قرآن علامه طباطبایی دارای لونی متفاوت از تفسیر قرآن به قرآن آیت‌الله جوادی است. بنابراین لون تفسیر در واقع تبلور شخصیت مفسر و توانمندی علمی و سلیقه شخصی مفسر در تفسیر قرآن است که تفسیر یک مفسر را از سایر تفاسیر مشابه متمایز می‌کند.^۱ (طیب حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۴) مطالعه تطبیقی در باره الوان تفسیری با مطالعه

۱. امین خولی که احتمالاً برای نخستین بار مصطلح لون تفسیری را به کار برده در تعریف آن می‌نویسد: مقصود از الوان تفسیر آن است که مفسری که به تفسیر یک متن به ویژه یک متن ادبی می‌پردازد با تفسیر و

تطبیقی در باره روش‌ها، گرایش‌ها و مکاتب تفسیر و زیرحوزه‌هایی که برای آنها معرفی شد، مثل مقایسه دو تفسیر متعلق به دو روش یا گرایش تفسیری متفاوت، هم پوشانی دارد. بنابراین مطالعات تطبیقی روش‌ها و گرایش‌ها و مکاتب تفسیری، با گستره‌ای که برای آن معرفی شد، الوان تفسیری را نیز در برمی‌گیرد.

۲-۳-۲-۸. مطالعه تطبیقی میان دو مفسر از مفسران صحابه یا تابعین

مطالعه تطبیقی میان دیدگاه‌های مفسران صحابه و تابعان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این نوع پژوهش موجب شناخت ریشه‌های تفسیر در عهد صحابه و تابعان شده و راهی برای کشف عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و گسترش تفسیر در سده‌های نخستین اسلامی است. خاورشناسان معمولاً به این حوزه از مطالعات تطبیقی اقبال نشان داده و دیدگاه‌های تفسیری را از سرچشمه‌های آن تحلیل می‌کنند، اما در کشور ما و میان پژوهشگران ما نسبت به این حوزه از مطالعات تفسیر تطبیقی چندان اقبال نشده، با این که بسیار مفید و ضروری است. مقاله «تعامل تفسیر و حدیث در تعیین سبع المثانی» از آری ربین، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا (ترجمان وحی، ۱۳۷۹، ش ۸، ص ۱۱ - ۳۱) از نمونه‌های جالب و الگویی مناسب برای این نوع مطالعه تفسیر تطبیقی است.

مطالعه تطبیقی دو تفسیر از دو مفسران متعلق به یک مکتب یا روش و یا گرایش تفسیر، و یا دو مفسر متعلق به دو روش، گرایش، مکتب و لون تفسیری به منظور کشف تفاوت آن دو در بهره‌گیری از روش یا گرایش و مکتب ولون در تفسیر، از زیر حوزه‌های چهار حوزه یادشده است.

۲-۳-۲-۹. مطالعه تطبیقی میان تفسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام و تفسیر صحابه یا تابعان

این نوع مطالعه تفسیر تطبیقی امروزه از ابعاد مختلف ضرورت بسیار زیادی دارد. از مطالعه ظاهری روایات تفسیری اهل‌بیت ع به نظر می‌آید که روایات تفسیری این مفسران حقیقی و

فهم خود به آن متن رنگ می‌دهد و هنگامی که در مقام فهم عبارتی بر می‌آید با شخصیت خود و سطح و افق فکری خویش آن را تحدید می‌کند؛ چراکه مفسر هرگز نمی‌تواند در تفسیر یک متن از ذات و شخصیت خود بگذرد. بنابراین از متن تنها همان چیزی را که اندیشه‌ش به آن می‌رسد، می‌فهمد و به همین مقدار و مطابق با آن در باره متن داوری کرده بیان‌ش را تحدید می‌کند. درحقیقت مفسر، عبارت را مطابق با فهم خود به این سو و آن سو می‌شکد و به قدر توان فکری و عقلی خود از آن معنا استخراج می‌کند. (نک: خولی، تفسیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۲-۳۶۳؛ طیب حسینی، گرایش‌ها و روش‌های تفسیر، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۴)

آگاه به همه دانش قرآن بسیار پیچیده است. از یک سو بخش زیادی از روایات تفسیری آنان در واقع تأویل یا تفسیر باطن قرآن است، و بخشی از آنها مدلولهای التزامی و غیرصریح و منطوق آیات شریفه است و از سوی دیگر بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام با تفسیر مفسران صحابه و تابعان اختلاف زیادی، گاه در حد تعارض دارد. وجود روایات تأویلی فراوان در میان تفسیر منقول از اهل بیت گاه موجب شده برخی مفسران دیگر مذاهب، شیعه را به تأویل گرایی در تفسیر متهم کرده و اساس تفسیر اهل بیت علیهم السلام را زیر سؤال ببرند و شیعه را از اساس به فرقه گرایی در تفسیر و تعصب در تفسیر مذهبی متهم کنند. بر این اساس مطالعه تطبیقی روشمند روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام با تفاسیر صحابه و تابعان - همراه با رمزگشایی صحیح از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مبتنی بر اصول و قواعد صحیح و پذیرفته شده در تفسیر، همراه با تأکید بر شناخت نقاط اشتراک و اختلاف روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام از یک سو و صحابه و تابعان از سوی دیگر - نه تنها موجب فهم صحیح روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام می گردد، بلکه بخش زیادی از اتهامات علیه شیعه را بر طرف می کند و زمینه گسترش و تعمیق استنباط از معارف قرآن را برای همه مفسران جهان اسلام فراهم می سازد. باور بر این است که همه آیات قرآن که اهل بیت علیهم السلام از آنها تفسیر خاصی ارائه داده، و مکتب ویژه و متمایزی از اسلام را به تصویر کشیده اند قابل مطالعه تطبیقی با تفسیر صحابه و تابعان و تبیینی مقبول و مبتنی بر اصول و قواعد صحیح تفسیر از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام می باشد. در این حوزه نیز هنوز پژوهشهای درخوری انجام نگرفته است.

۲-۳-۳. مطالعات تطبیقی علوم قرآنی

علوم قرآنی در عرف فارسی زبانان به مجموعه ای از دانش های پیرامونی و مرتبط با قرآن کریم اطلاق می شود و در مقابل معارف قرآن که با معانی و معارف نهفته در آیات قرآن در ارتباط است، قرار دارد. در عرف عرب زبانها تعبیر «علوم القرآن» برای دلالت بر هر دو معنا (تفسیر و معارف قرآن، علوم پیرامونی قرآنی) به کار می رود. مجموعه مباحث علوم قرآنی را در دو بخش کلی قرار می دهند: یک بخش مباحث علوم قرآنی که در فهم و تفسیر قرآن دارای نقش اند، مانند مباحث قرائات، ناسخ منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول مقدم و مؤخر، عام و خاص قرآن، مباحث بلاغی و صرفی و نحوی و اعرابی قرآن، کلمات غریب قرآن و... و بخش دیگر، مباحثی از علوم قرآنی که در فهم و تفسیر قرآن نقش ندارند، و شناخت و

آگاهی‌هایی درباره قرآن کریم به ما می‌دهند، مانند تعداد آیات و سوره‌های قرآن، نامهای قرآن و سوره‌ها، فضائل و خواص آیات سوره‌های قرآن، و...

هر دو بخش از مباحث علوم قرآنی قابلیت مطالعه تطبیقی دارد، اما مطالعات تطبیقی در بخش نخست که در فهم و تفسیر قرآن اثرگذار است از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار می‌باشد. زرکشی مباحث علوم قرآنی را در کتاب خود در ضمن ۴۷ فصل (نوع) به بحث گذاشته و فصل ۴۶ آن را که به مباحث مختلف بلاغت قرآن اختصاص داده شاه بیت همه مباحث شمرده است. دو فصل ۴۶ و ۴۷ این کتاب، که به مباحث نحوی - اعرابی و بلاغی قرآن اختصاص یافته، خود حوزه بسیار متنوع و پشماری از مسائل علوم قرآنی در برمی‌گیرد. همه مباحث و مسائل علوم قرآنی که زرکشی در البرهان آورده برای مطالعه تطبیقی و بررسی دیدگاه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مناسب و سودمند است به ویژه مباحثی که در فهم و تفسیر قرآن نقش مستقیم یا غیر مستقیم دارند. سیوطی در کتاب مشهور الاتقان فی علوم القرآن، بر تنوع و تعداد مباحث علوم قرآنی افزوده و آنها را در ضمن ۸۰ فصل (نوع) به بحث گذاشته است. اما همه افزوده‌های سیوطی نسبت به زرکشی دارای اهمیت نیستند، به علاوه اینکه زرکشی بیشتر این افزوده‌ها را در ذیل سایر فصول به بحث گذاشته و برای آنها فصلی مستقل نگشوده است. به هر روی حوزه مباحث علوم قرآنی حوزه بسیار گسترده‌ای با مسائل فراوان است و در آن می‌توان علاوه با مطالعه تطبیقی موضوعات، دیدگاه صاحب نظران در این حوزه را نیز با یکدیگر مقایسه کرد.

نتیجه گیری

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال بود که مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی چه قلمرو و حوزه‌هایی را در برمی‌گیرد؟ از بررسی انجام شده این نتیجه به دست آمد که مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی قلمرو گسترده‌ای از مباحث و موضوعات را در برمی‌گیرد که در یک تقسیم عقلی و کلی این مطالعات تطبیقی در دو شاخه ۱. مطالعات تطبیقی درون قرآنی مطالعات تطبیقی برون قرآنی دنبال کرد. مطالعات تطبیقی برون قرآنی، خود در دو شاخه کلی قابل انجام است: مطالعات تطبیقی درون دینی و مطالعات تطبیقی فرادینی. مطالعات تطبیقی فرادینی باز در چهار محور قابل انجام است: ۱. مطالعات تطبیقی بین قرآن و عصر جاهلی، ۲. مطالعات تطبیقی بین قرآن و سایر ادیان و کتب آسمانی، ۳. مطالعات تطبیقی بین قرآن و

علوم بشری (اعم از علوم طبیعی، انسانی، پزشکی و...)، ۴. مطالعات تطبیقی میان قرآن و ادبیات. اما قسم اول (مطالعات تطبیقی درون دینی) نیز خود به دو قسم تقسیم می‌شود: مطالعات تطبیقی درون مذهبی و مطالعات تطبیقی فرامذهبی. مطالعات تطبیقی فرامذهبی نیز خود به سه قسم تقسیم می‌شود: مطالعات تطبیقی تفسیری، مطالعات تطبیقی تفسیرپژوهی، مطالعات تطبیقی علوم قرآنی.

اگرچه تقسیم قلمرو مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی یک تقسیم عقلی است، اما زیر مجموعه‌های هر یک از اقسام استقرایی است و محدود به موارد یاد شده نمی‌باشد. حوزه‌های مطالعات تطبیقی که در ذیل هر یک از اقسام عقلی معرفی شد، مهمترین حوزه‌هایی که تاکنون پژوهش‌هایی تطبیقی درباره آنها انجام گرفته، و یا می‌توان در باره آنها به یک مطالعه تطبیقی دست زد. بالطبع خرده حوزه‌های دیگری وجود دارد که مجال تفصیل آنها در این مقاله نیست و می‌توان با مرور آثار منتشر شده، آنها را شناسایی و به محورهای یاد شده در این مقاله افزود.

فهرست منابع

۱. اسعدی، محمد (۱۳۸۹ش). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. انوری، حسن (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
۳. انیس، ابراهیم و عبدالحلیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمدخلف الله احمد، (۱۴۰۸ق). المعجم الوسيط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. ایازی، سیدمحمد علی (۱۴۱۴ق). المفسرون حیاتهم و و منهجهم، تهران: وزارت ارشاد.
۵. بابایی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۹ش). روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران: الهادی.
۶. بابایی، علی‌اکبر (۱۳۹۴ش). قواعد تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. خولی، امین (۱۹۳۳م). التفسیر، دایرة المعارف الاسلامیة، ج ۵، بیروت: دارالمعرفة.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹ش). روش‌شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۳۵ - ۵۶.
۱۰. روحی‌دهکردی، احسان و محمدعلی تجری (۱۳۹۴ش). اصطلاح‌شناسی مبانی تفسیر، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، س ۲۰، ش ۷۷.
۱۱. رومی، فهدبن عبدالرحمن (۱۴۱۸ق). اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، بیروت: الرسالة.
۱۲. رومی، فهدبن عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). بحوث فی اصول التفسیر، ریاض: مكتبة التوبة.
۱۳. زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. السبت، خالدبن عثمان، (۱۴۲۶ق). قواعد التفسیر، جمعاً و دراسةً، قاهره: دارابن عفان.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۶. شاگرد، محمدکاظم (۱۳۸۲ش). مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۱۷. شیرزاد، محمدحسن (۱۴۰۲ق). تفسیر تطبیقی آیات بحث برانگیز مربوط به زنان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. صالح بک، مجید و نظری منظم، هادی (۱۳۸۷ش). ادبیات تطبیقی در ایران: پیدایش و چالشها، فصلنامه زبان و ادب فارسی، ش ۳۸.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۸۹ش). تفسیر/ گرایش ها و روش های تفسیر، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، قم: بوستان کتاب.
۲۱. طیب حسینی، سید محمود، رحمان ستایش، محمد کاظم، طیب حسینی، مطهره- سادات، تفسیر تطبیقی، اغراض و منافع، مجله مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸ (۱۶).
۲۲. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۸۹ش). تفسیر تطبیقی، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، قم: بوستان کتاب.
۲۳. عسکری، انسیه (۱۳۹۷ش). جریان شناسی تفسیر تطبیقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. عمری، احمد جمال (۱۴۲۱ق). دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی، قاهره: مكتبة الخانجي.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۷۲ش). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. فاکرمییدی، محمد (۱۴۲۸ق). قواعد التفسیر لدى الشيعة و السنة. طهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامی.
۲۷. فتح اللهی، ابراهیم (۱۳۸۷ش). اصطلاح شناسی در علم تفسیر (مبانی، اصول و قواعد)، فصلنامه پیک نور، دوره ۶، ش ۴.
۲۸. لسانی فشارکی، محمدعلی، و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۴ش). سوره شناسی، قم: نصاب.
۲۹. معین، محمد (۱۳۷۵ش). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۳۰. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۳ش). تفسیر تطبیقی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۳۱. نظری منظم، هادی (۱۳۸۹ش). ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش، مجله

ادبیات تطبیقی، ش ۲.

۳۲. هدی جاسم محمد (۱۳۷۲ش). منهج الاثری فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات.